



ایران نامه

چهل نامه، چهل شهر

(۱۳۴۸ - ۱۳۴۴)

جمشید حقگو



ایران نامه

| چهل نامه، چهل شهر |

(۱۳۴۴ - ۱۳۴۸)

جمشید حقگو

سرشناسه	: حقگو، جمشید، ۱۳۱۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: ایران‌نامه: چهل‌نامه، چهل شهر (۱۳۴۴ - ۱۳۴۸) / جمشید حقگو.
مشخصات نشر	: تهران: نشر رسانش نوین، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۸۴ ص.: مصور.
شابک	: 978-600-7792-92-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: نماییه.
عنوان دیگر	: چهل‌نامه، چهل شهر (۱۳۴۴ - ۱۳۴۸).
موضوع	: ایران -- سیر و سیاحت -- قرن ۱۴
موضوع	: حقگو، جمشید، ۱۳۱۷ - -- سفرها -- ایران
موضوع	: حقگو، جمشید، ۱۳۱۷ - -- نامه‌ها
موضوع	: Iran -- Description and travel -- 20th century
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ الف۹/ح۷:DSR۱۶۶۵
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۵۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۳۲۹۰۵



تهران. کریمخان زند. ابتدای میرزای شیرازی. پلاک ۸. طبقه ۲. واحد ۹
تلفن: ۰۹۱۲ ۱۳۰ ۹۱ ۳۱ ۸۸۹۳۲۶۵۵ rasanesh.pub@gmail.com

ایران‌نامه

| چهل‌نامه، چهل شهر |

(۱۳۴۴ - ۱۳۴۸)

جمشید حقگو

طرح جلد و صفحه‌آرایی: فرشاد علی‌نژاد

عکاس: جمشید حقگو

ناشر: رسانش نوین

لیتوگرافی: فیلم‌گرافیک

چاپ: مثنی

صحافی: ولیعصر

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۶ - ۹۲ - ۷۷۹۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

فهرست

۷	 پیش‌گفتار
۱۳	 نامه اول: اصفهان نصف جهان
۱۸	 نامه دوم: اصفهان و زاینده‌رود
۳۵	 نامه سوم: باد عاشق‌پیشه
۴۰	 نامه چهارم: پول بی‌برکت
۴۹	 نامه پنجم: یونان کوچک
۵۶	 نامه ششم: یزدی‌ها
۶۱	 نامه هفتم: پیرامون کویر
۶۶	 نامه هشتم: قالی‌بافان
۷۲	 نامه نهم: فروغ روی مهمان
۸۰	 نامه دهم: اقمار کرمان
۹۹	 نامه یازدهم: پاسپورت قشم
۱۱۰	 نامه دوازدهم: ارگ بم
۱۱۵	 نامه سیزدهم: اقتصاد قطار
۱۲۰	 نامه چهاردهم: زلزله
۱۳۸	 نامه پانزدهم: دهی به نام روم
۱۴۳	 نامه شانزدهم: شهر ابرم‌رها
۱۴۸	 نامه هفدهم: جولانگاه افغان‌ها
۱۶۴	 نامه هجدهم: گوهرشاد خاتون

۱۷۰.....	نامه نوزدهم: در مسیر شمال
۱۸۰.....	نامه بیستم: به سوی گیلان
۱۸۴.....	نامه بیست و یکم: دیار میرزا کوچک‌خان
۱۹۰.....	نامه بیست و دوم: زن‌های پرکار
۱۹۷.....	نامه بیست و سوم: روز بازار
۲۰۰.....	نامه بیست و چهارم: آذربایجان
۲۰۵.....	نامه بیست و پنجم: بلا گردان
۲۱۴.....	نامه بیست و ششم: دیار ماندگار
۲۲۳.....	نامه بیست و هفتم: دریای کبودان
۲۲۹.....	نامه بیست و هشتم: کردستان
۲۳۸.....	نامه بیست و نهم: معراج
۲۴۲.....	نامه سی‌ام: زن خریدن
۲۴۸.....	نامه سی و یکم: آئین درویشی
۲۶۶.....	نامه سی و دوم: تپشه فرهاد
۲۷۳.....	نامه سی و سوم: لر بی لر
۲۸۵.....	نامه سی و چهارم: ورشو
۳۰۲.....	نامه سی و پنجم: پند سر دندان
۳۱۰.....	نامه سی و ششم: کالیفرنای ایران
۳۱۷.....	نامه سی و هفتم: عزیز و قمری
۳۳۴.....	نامه سی و هشتم: عزاداری
۳۴۰.....	نامه سی و نهم: سازماندهی بومی
۳۵۹.....	نامه چهلم: هگمتانه
۳۶۹.....	نمایه

پیش‌گفتار

این نوشته مجموعه نامه‌هایی است در زمینه ایران‌شناسی که در حاشیه سفرهای گروه تحقیقاتی دانشگاه تهران بین سال‌های ۴۴ - ۴۸ از ویژگی‌های زندگی و سنن و آداب مردم مناطق مورد مطالعه به مرحوم پدرم نوشته بودم.^۱ داستان چنین بود:

بعد از پایان دوره نظام وظیفه دوباره به دانشگاه برگشتم و به عضویت مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، درآمدم و در اولین کار تحقیقاتی همراه سایر همکاران در مؤسسه، برای مطالعه وضعیت اقتصادی و اجتماعی حوزه آب‌خور رودخانه زاینده‌رود، به اصفهان رفتیم. این مطالعه از جمله پیش مطالعات طرح سد زاینده‌رود بود. در انجام این مطالعات از ده پل کله، در ۵۰ کیلومتری غرب اصفهان، تا منطقه رودشت، در ۷۰ کیلومتری شرق آن، جلگه زاینده‌رود را تقریباً ده به ده گشتیم و بررسی کردیم (۳۹۸ ده و ۴۱۸ مزرعه).

۱. این سفرهای تحقیقاتی در طول ۴ سال به‌طور متناوب و رفت و برگشت، در چند مرحله زمانی انجام گرفته است. ولی در تنظیم این مستند، برای انسجام خاطر خواننده، مطالب و تصاویر با حفظ تاریخ وقوع، بر مبنای نظم جغرافیایی آن تنظیم یافته است، انگار که از یک نقطه از کشور شروع و در یک نقطه دیگر پایان یافته است. همچنین نامه‌ها مستقل از یکدیگرند به‌طوری که از هرجای کتاب خوانده شود، انگار همان صفحه اول کتاب است.

حاصل کار این گروه تحقیقاتی یک گزارش اقتصادی بود که همان موقع از طرف سازمان برنامه به چاپ رسید و از لحاظ شخصی، هر یک از همسفران به فراخور ذوق، بهره‌هایی از این سفرها و مطالعات با خود به ارمغان آوردند و بهره من همین نامه‌ها بود به اضافه عکس‌هایی که از مردم و زندگی آنها گرفته بودم که خود یک گزارش مصور مفصلی می‌طلبید.

در سفرهای مشابه بعدی، تجارب بیشتری به‌دست آمد. از جمله طرح تحقیقاتی شرکت‌های سهامی زراعی بود که در بعضی نقاط کشور به‌طور نمونه، به تقلید از بعضی کشورهای سوسیالیستی، از طرف دولت تشکیل یافته بود که نظام کشاورزی در نقاط روستایی را تقریباً اشتراکی و مثل کیبوتس و کالخور^۱ درمی‌آورد. همچنین شرکت‌های تعاونی روستایی در سطح کل کشور که آنها هم ساخته و پرداخته دولت بودند، جهت تأمین اعتبار مالی برای کشت و کار کشاورزان. این طرح برای دانشگاه یک مطالعه علمی و تحقیقاتی بود و برای ما یک غنیمی که به برکت آن اطلاعات و آموخته خود را از میهن پنهان‌ورمان کامل‌تر نماییم.

بعدها با مشارکت در طرح‌های توسعه اقتصادی داراب در استان فارس و مریوان در استان کردستان که توسط بخش خصوصی انجام می‌گرفت، تقریباً در تمام ایران، نقاط زیادی را از جمله اصفهان، کرمان، چهارمحال بختیاری، خراسان، گیلان، آذربایجان شرقی، لرستان و فارس، مورد بررسی و مطالعه قرار دادیم. در مجموع این مطالعات به‌طور متناوب چهار سال به طول انجامید. در طول این سفرها من از این نامه‌نوشتن‌ها و عکس‌گرفتن‌ها، غافل نماندم، به هر شهر و دیار و کوره‌دهی که رسیدیم، در کنار پرسشنامه‌های تحقیقاتی، مشاهدات روزانه خود را به‌صورت نامه نوشتم. البته غیر از دو سه

۱. کیبوتس و کالخور: یک نوع سامانه کاشت و برداشت محصول روستائیان، به‌صورت اشتراکی، در اسرائیل و شوروی سابق.

نامه اولیه، بقیه نامه‌ها به مقصد ارسال نشد. ولی به‌عنوان یک روش نگارش سفرنامه و خاطره‌نویسی، چارچوب نامه حفظ شد. بنابراین در این نامه‌ها، سعی شده است که شرحی در حد یک نامه ارائه شود، تا در عین کوتاهی و سادگی، ادای مطلب در رساندن مطلوب نیز شده باشد و در واقع این نامه‌ها مشاهداتی است که چهره مناطق مورد مطالعه را در حد یک نامه به تصویر کشیده است.

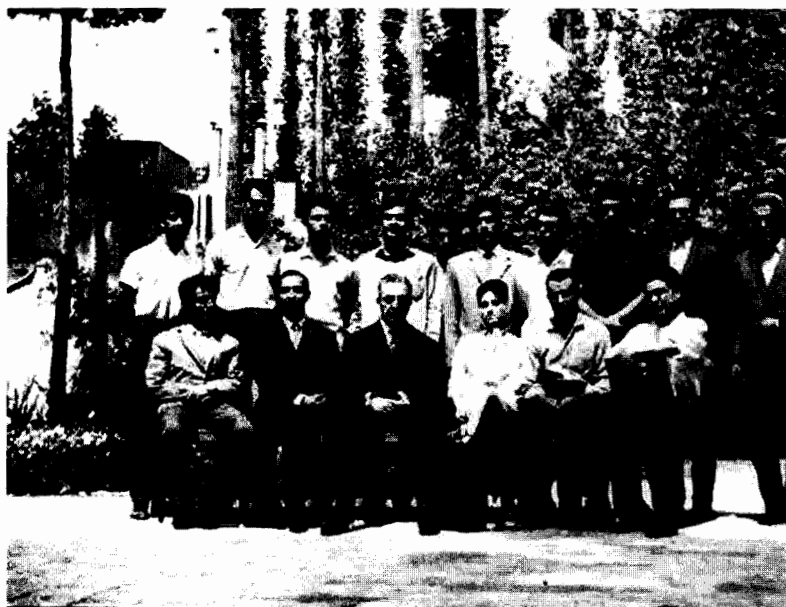
هر نامه عنوانی دارد که از متن آن گرفته شده است. در هر نامه به یک موضوع خاص از ویژگی‌های یک شهر و یا دهی تکیه شده است. گاه پای صحبت کدخداست و گاه نقال ده و یا دهقان صاحب نسق و یا خوش‌نشین خانه‌به‌دوش. گاهی هم شرحی است از خانه و کاشانه این مردم و اشارتی به زندگی و چگونگی گذران آنها، یا دیداری است از محل کار و فعالیت آنها، از کاشت و برداشت، از کارگاه‌های قالی‌بافی، از قنات‌هایی که زندگی‌شان به آن وابسته است. از بهداشت، از سواد و آداب و رسوم و باورهای اجتماعی، از قصه‌ها و غصه‌ها، از بلای زلزله و مردم زلزله‌زده، از خرابه‌ها و آثار گذشتگان، از قلعه‌ها و از بقعه‌ها و از مزار و مقبره‌ها و بالاخره از فرهنگ طنز ایرانی، از شعر و مثل‌ها و گذری گذرا به تاریخ و جغرافیای هر منطقه...

اینک از آن سال‌ها که این نامه‌ها نوشته شده، بسیار گذشته است. ولی به‌رغم گذشت زمان، با توجه به اینکه این مطالب عموماً با فرهنگ و آداب و به‌طور کلی، با زندگی مردم سر و کار دارد کهنگی نمی‌پذیرد و مسائل اجتماعی به نوعی دیگر، باز هم مطرح است و در عین حال در مقام مقایسه، نشان‌دهنده تحول شگرفی است که در این چهار دهه در ایران رخ داده است و جهان چه شتاب‌انگیز پیشرفته است. این است که به تشویق و تأیید بعضی از همکاران و همسفران سابق و ناشر محترم، تصمیم گرفتم این مجموعه مستند را به همان شیوه با کمی پالایش تقدیم دوستان نمایم.

در خاتمه لازم می‌دانم یاد استاد، زنده‌یاد دکتر حسین پیرنیا بنیان‌گذار و رییس وقت مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران را که بانی اصلی این مطالعات و طرح‌های تحقیقات اقتصادی مؤسسه بودند، گرامی بدارم و از دوستانی که در این سفرها افتخار همسفری داشتم از جمله زنده‌یاد دکتر هوشنگ ساعدلو رییس گروه تحقیق، خانم فرشید افشار، دکتر احمد فرجی‌دانا، دکتر حسن حسنی، دکتر محمدمهدی بهکیش، دکتر سعید نوری نایینی، دکتر محمود دانشمند، دکتر کوروش محبوب و مهندس حسین شاپوری و مهندس احمد جلالی و مهندس محمدصادق دانش آشتیانی و دیگر همسفران و همکاران از جمله دکتر مسعود منصوری، احمدرضا برومند و زنده‌یاد دکتر حسین عظیمی، خانم فاطمه نیشابوری و ... تجلیل و یاد خیر نمایم. سپاس ویژه از مدیر فرهیخته و محترم نشر رسانش نوین، آقای محسن علی‌نژادقمی که چاپ و انتشار این کتاب را بعد از سال‌ها تأخیر به سرانجام رسانده‌اند و همکاران ایشان که ویرایش نهایی این اثر را برعهده گرفتند. همچنین از خانم‌ها، روفینا رهبریان و فائزه دولتشاهی و نازیتا پورکار که در تایپ و غلط‌گیری این مجموعه همکاری صمیمانه نمودند، تشکر و قدردانی کنم.

جمشید حقگو

پاییز ۱۳۹۵، تهران



نشسته از راست: محمود دانشمند، دکتر حسن حسنی، خانم فرشید افشار، دکتر حسین پیرنیا، دکتر هوشنگ ساعدلو، محمد اسکندر نیا
ایستاده از راست: پیرمرد مستخدم، جوان کارآموز محلی، تورج محبوب، علی پور، محمدسعید نوری نایینی، کوروش محبوب، حسین شاپوری، محمد مهدی بهکیش، محمدصادق دانش آشتیانی، جمشید حقگو. اصفهان، تابستان ۱۳۴۵

نامه اول

اصفهان نصف جهان

شنبه ۳۱ خرداد ۴۵ از تهران به سوی اصفهان حرکت کردیم. نه نفر بودیم با یک مینی بوس دربست. همه از اعضای گروه تحقیق در مسائل اقتصاد کشاورزی ایران، عضو مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران^۱ به هدف مطالعه حوزه آبخور زاینده رود.^۲ خوشحال بودیم برای مدت کوتاهی هم که شده از هوای آلوده و هیاهو و شلوغی ترافیک تهران راحت می شویم. بعد از حدود ۶ ساعت مینی بوس سواری، حوالی ظهر به اصفهان رسیدیم. از خیابان با شکوه چهارباغ که می گذشتیم با خود گفتم واقعاً اصفهان نصف جهان است.^۳

اصفهان در اصل سپاهان یا اسپاهان خوانده می شده است، گویا در عهد ساسانیان محل تجمع سپاه و نیروهای رزمی بوده و بعد از گسترش و نفوذ زبان

۱. هوشنگ ساعدلو، حسن حسنی، احمد فرجی دانا، محمدسعید نوری نائینی، محمدمهدی بهکیش، خانم فرشید افشار، محمود دانشمند، حسین شاپوری، کوروش محبوب، جمشید حقگو، محمدصادق دانش آشتیانی.

۲. پرو قرارداد شماره ۵۹۷۴ مورخ ۱۳۴۴/۶/۸، منعقد بین وزارت آب و برق و مؤسسه تحقیقات دانشگاه تهران.

۳. که گفته اصفهان نصف جهان است اگر باشد جهانی اصفهان است!
اصفهان نیمی از جهان گفتند نیمی از وصف اصفهان گفتند!
اصفهان نصف جهان اگر تبریز نباشد!

عرب، تبدیل به اصفهان شده است. گذشته اصفهان به عهد پیشدادیان می‌رسد و در طول تاریخ همواره یکی از شهرهای مهم ایران به حساب می‌آمده و بعد از ظهور اسلام نیز در ردیف شهرهای بزرگ جهان اسلام قرار گرفته است و در چند دوره پایتخت ایران بوده و روزهای مصیبت‌باری هم داشته است؛ از جمله در حمله افغان‌ها به سال ۱۱۳۵، شهر تبدیل به ویرانه‌ای می‌شود. در زمان صفوی‌ها شهر به اوج شکوفایی خود می‌رسد و شهرت جهانی می‌یابد و اغلب آثار تاریخی و دیدنی مربوط به این دوره است.

امروزه اصفهان همچنان نصف جهان است! شهر بی‌نظیری که هر کس به ایران می‌آید، اول سراغ این شهر را می‌گیرد. شهر زیبایی است با آثار با عظمت تاریخی که در توصیف آن کتاب‌ها نوشته‌اند. آنچه در این نامه می‌آید، یک گذر و نظری بیش نیست.

جولانگاه دوچرخه

اول چیزی که در ورود به شهر اصفهان جلب نظر می‌نماید خیابان با شکوه چهارباغ است. این خیابان در زیبایی و فن خیابان‌کشی همانند ندارد. اولین بار توسط شاه‌عباس اول به عنوان گردشگاه بنا شده بود و از اسمش هم پیداست که در اصل باغ و بوستان بوده است. در حال فعلی بزرگ‌ترین و بهترین خیابان اصفهان به حساب می‌آید که در نوع خود واقعاً بی‌نظیر است، از هفت مسیر موازی هم تشکیل یافته است که علاوه بر پیاده‌روها و خودروها دو مسیر نسبتاً باریک‌تری هم در طرفین خیابان وجود دارد که مورد استفاده دوچرخه‌سواران است.

اصفهان جولانگاه دوچرخه‌سوارهاست. اول صبح خیل کارگران و کارکنان را می‌بینی که از این دو مسیر باریک با دوچرخه‌های خود به سرکار می‌روند و نزدیک غروب، از همان مسیر، به کاشانه خود برمی‌گردند.

در وسط خیابان چهارباغ، مسیر نسبتاً عریضی است که گردشگاه مردم است. روزهای جمعه به‌خصوص شلوغ و پر ازدحام است.

نقش جهان

در مرکز شهر، میدان مستطیل شکل بزرگی است که حداقل در ایران نظیر ندارد. این میدان حدود ۵۰۰ متر طول و ۱۶۰ متر عرض دارد و به میدان نقش جهان معروف است که در زمان شاه عباس اول احداث شده است. آن وقت‌ها محل رژه و نمایش‌های نظامی و میدان چوگان‌بازی و اسب‌دوانی بوده است. امروزه این میدان شکل بهتری یافته و از جمله دیدنی‌های جالب توجه اصفهان است. در اطراف میدان نقش جهان، چهار بنای تاریخی و با عظمت عهد صفوی قرار گرفته که مجموعه‌ای از آثار ملی و فرهنگی و هنری اصیل و باشکوه ایرانی را تشکیل می‌دهند.

در ضلع جنوبی میدان، مسجد جامع عباسی، معروف به مسجد شاه قرار دارد. این مسجد که به دستور شاه عباس اول در سال ۱۰۲۱ هـ.ق. ساخته شده، یکی از شاهکارهای فن معماری و کاشی‌کاری ایرانی است. می‌گویند تا بنا تمام شود چهل سال طول کشیده است. بلندی گنبد آن ۵۲ متر و ارتفاع مناره‌ها ۴۲ متر است. از در اصلی که وارد مسجد می‌شویم ظاهراً رو به طرف جنوب هستیم ولی راه ورودی طوری طراحی شده است که هنگام ورود به صحن مسجد رو به قبله قرار می‌گیریم، بدین ترتیب بدون اینکه تناسب میدان بهم بخورد انحراف قبله حفظ شده است.

از شگفتی‌های بسیار جالب مسجد، انعکاس یکنواخت صداست، به‌طوری‌که سخن‌گوینده در محراب، به‌طور هماهنگ در تمامی مسجد شنیده می‌شود، بدون اینکه بلندگویی در کار باشد. به هنگام دیدار ما، یکی از راهنمایان مسجد از بازدیدکنندگان خواست که هر کسی در گوشه‌ای از مسجد بایستد؛ گروهی به حیاط رفتند و گروهی دیگر به جاهای دیگر مسجد، بعد خودش پای منبر ایستاد و به قرائت قرآن پرداخت، انگار که یک بلندگوی قوی کار گذاشته‌اند، صدا در تمام گوشه و کنار به‌طور یکنواخت، پخش می‌شد. همچنین در زیر گنبد بزرگ هر صدایی هفت بار به‌طور مکرر انعکاس می‌یابد. در مدخل مسجد، سنگی

به‌صورت شاخص زمان تعبیه شده است که ظهر شرعی اصفهان را در دوازده ماه سال نشان می‌دهد. مبتکر و محاسب این ساعت طبیعی، شیخ بهایی، مهندس و دانشمند معروف عهد صفوی بوده است.

در قسمت غربی میدان نقش جهان، عمارت عالی قابو قرار گرفته است. این بنای بی‌نظیر در عهد صفوی به دستور شاه‌عباس اول ساخته شده است و به عنوان قصر شاهی، محل سکونت شاه بوده و پذیرایی‌های تشریفاتی به‌خصوص از مهمانان خارجی در این قصر انجام می‌گرفته است. ساختمان دارای پنج طبقه و هر طبقه مخصوص تشریفات خاصی بوده است. طبقه پنجم واقعاً بی‌نظیر است. دارای اتاق‌های متعدد و هر کدام به منظور خاصی، از جمله اتاق‌هایی هم برای رامشگران طراحی شده است، در دیوارها و سقف این اتاق‌ها با ظرافت و دقت تمام اشکال انواع ظروف و جام و باده تو خالی تعبیه شده است تا نوای ساز و آواز در لابلای آنها تو در تو پیچیده و خوش‌طنین‌تر به گوش برسد.

از ترس دزدان!

یکی دیگر از آثار تاریخی فوق‌العاده با شکوه اصفهان و از جمله قدیم‌ترین آنها، مسجدجامع عتیق اصفهان است که بیش از هزار سال تاریخ معماری ایران را در خود جمع کرده است. اصل بنا قرن دوم هجری ساخته شده است و بعدها سلسله‌های مختلف از جمله دیلمی‌ها، سلجوقی‌ها و صفوی‌ها، یکی بعد از دیگری به وسعت آن افزوده، آثاری از خود در این مسجد به یادگار گذاشته‌اند. در ایوان غربی، مسجد کوچکی هست که در زمان الباقیتو از ایلخانان مغول ساخته شده است. این مسجد محراب بسیار جالبی دارد که دارای گچبری دقیق و ظریفی است که بی‌اختیار تحسین هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌نماید و در جلوی آن منبر بزرگی قرار گرفته که به‌طور خیلی هنرمندانه ریزه‌کاری شده است و دوازده پله دارد به نام دوازده امام.

دیدن این محراب و منبر خیلی ساده نبود، درها همه بسته و هرکسی نمی‌تواند داخل شود. مرد راهنما در بیرون و اندرون را برای من و خانم افشار گشود و توضیحات لازم را به ما داد. پرسیدم چرا درهای این قسمت را قفل می‌کنند و نمی‌گذارند مردم آزادانه بیایند و از این دو نفیسه گرانبها دیدن کنند؟ گفت: از ترس دزدان! زیرا چند سال پیش دزدان بین‌المللی تلاش کرده بودند که قسمتی از گنجبری این محراب را کنده و به جای آن چیزهای قلابی نصب نمایند ولی مسئولین به موقع با خبر می‌شوند و جلوگیری می‌کنند از آن تاریخ به بعد درها را قفل می‌کنیم و علاقمندان را خودمان راهنمایی می‌نماییم!

لرزش

همه دیدنی‌های این شهر یک طرف و منارجنبان طرف دیگر که همه در سکونند و این یکی در جنبش و حرکت. مناره‌ها و بنای زیر آنها چیزی نیست که جلب توجه نماید بلکه جنبیدن و تکان خوردن است که توریست‌ها و تماشاگران را به خود جلب می‌کند. محل ساختمان این دو مناره در فاصله سه کیلومتری جاده نجف‌آباد قرار گرفته است به‌صورت بقعه‌ای است که در آن قبر عبدالله نامی قرار دارد. سنگ قبر آن به تاریخ ۷۱۶ هجری قمری است که به عهد مغول مربوط می‌شود. جنبیدن این بنای عجیب به این صورت است که کسی یک دریچه بالای مناره را محکم می‌گیرد و تکان می‌دهد، آن وقت مناره دیگر و همه بنا یک‌جا تکان می‌خورد. عجیب این است که با این همه تکان‌های مکرر روزانه، هنوز بعد از صدها سال تکان خوردن هیچ اشکالی در ساختمان به‌وجود نیامده و همچنان بر جای خود استوار باقی مانده است.

نام دوم

اصفهان و زاینده رود

آتشگاه

امروز سر راه خود به نجف آباد، سری هم به آتشگاه زدیم. آتشگاه تپه نسبتاً بلندی است در حومه شهر که از بالای آن، همه شهر اصفهان پیداست. گویا آتشکده‌ای بر فراز این تپه قرار داشته است. گفته می‌شود زرتشتیان مردگان خود را طبق رسم خودشان، در بالای این تپه، رها می‌کرده‌اند. اینک از بلندی این تپه استفاده کرده، مخازن تصفیه آب اصفهان را در دامنه آن قرار داده‌اند.

تا چند سال پیش، قبل از لوله‌کشی و تصفیه آب آشامیدنی، آب اصفهان خیلی آلوده بوده و فاضلاب توالت‌های شهر هم مستقیماً به عنوان کود، در مزارع شهر پخش می‌شد و به آلودگی آب می‌افزود و تقریباً کسی از بالای این آلودگی در امان نبود. گفته می‌شود که یکی از داروهای پر مصرف شهر، قرص‌های ضدکرم بوده است! که با خوردن آب‌های آلوده و سبزیجات آغشته به کود انسانی، در بدن تولید می‌شود.

هنوز هم در محلات قدیمی شهر، فاضل آب توالت‌های منازل در پشت توالت، در گودال کوچکی در کوچه‌ها می‌ریزد و از آنجا مستقیماً برای استفاده در مزارع برده می‌شود! می‌توانید تصور کنید که چه بوی تعفن آزاردهنده‌ای، در محیط اطراف می‌پیچد.

کبوترخانه

از بالای آتشفشان حومه شهر اصفهان و مزارع اطراف آن تا دور دست‌ها پیداست که در میانه آنها به فاصله‌های دور و نزدیک برج‌های همشکلی جلب نظر می‌نماید که در محل به آنها کبوترخانه می‌گویند. این ساختمان‌های استوانه‌شکل از جمله بناهای دیدنی اصفهان است که از یک معماری ابتکاری و شگفت‌انگیزی برخوردارند و زیستگاه بسیار مناسبی برای کبوترهای بی‌شمار منطقه است. در داخل این برج‌ها لانه‌هایی از گاه و گل برای کبوترها در نظر گرفته شده است و از بیرون سوراخ‌های ورودی آنهاست که درست به اندازه جثه کبوترها ساخته شده‌اند که ورود مرغان مزاحم و پرندگان شکاری را غیر ممکن می‌سازد و به‌خاطر ارتفاع بلند و سطح صاف استوانه برج‌ها از روی زمین امکان ورود حیوانات زمینی مثل گرگ و روباه و حتی مار و سایر خزندگان به داخل آن وجود ندارد. بنابراین درون هر کبوترخانه، خانه‌ای امن و بی‌خطری برای ادامه حیات هزاران کبوتر است.



منظره زیبایی مزارع حومه اصفهان، ساختمان مدور و برج ماندی که در وسط دیده می‌شود کبوترخانه است. عکس از بالای تپه آتشفشان گرفته شده است.

در بالای برج هم سیستم بادگیر طبیعی تعبیه شده است که در گرمای تابستان داخل برجها را خنک می‌دارد و در زمستان نیز پیش‌بینی‌های لازم برای حفظ هوای گرم آن می‌شود که کبوترها یخ نزنند و در آسایش و آرامش درون برجها به زندگی و زاد و ولد و نهایتاً به تولید و محصول نهایی و پر مصرف خود، یعنی فضله و مدفوع! پردازد. بلی هدف از ساختن این برجها همین است؛ یعنی استحصال بهترین کود حیوانی از کبوترها. با ساده‌ترین راه و ارزان‌ترین وسیله، هزینه حمل و نقل هم ندارد همانجا تولید می‌شود، در همانجا (همان مزرعه) نیز به مصرف می‌رسد. بهترین نمونه از تولید به مصرف!



نمای داخلی یک کبوترخانه، معماری ابتکاری ایرانی برای جا گرفتن هزاران کبوتر و تولید کود طبیعی. (عکس از اینترنت)

زاینده‌رود

اصفهان به برکت زاینده‌رود زنده است. مردم علاقه عجیبی به این رود دارند علت سفر ما هم مطالعه حوزه آبخیز زاینده‌رود است. قرار است روی آن سدی بسازند و کار تحقیقاتی ما هم از طرف دانشگاه، به همین منظور است و یکی از پیش‌مطالعات ساخت سد زاینده‌رود می‌باشد. این رود با ۴۲۰ کیلومتر طول، بزرگ‌ترین رود داخلی کشور است که از دامنه‌های زردکوه بختیاری سرچشمه گرفته و بعد از طی یک مسیر طولانی، از وسط شهر اصفهان عبور می‌کند و شهر را به دو نیم تقسیم می‌نماید. به برکت این رود است که اصفهان به‌رغم کویرهای اطراف به یکی از نقاط خوش آب و هوا و حاصلخیز و پردرآمد ایران تبدیل شده است و اگر زاینده‌رود نبود شاید اصفهان هم نبود و همین بود که در جریان مطالعه، خانم فرشید افشار، یکی از همراهان، شعری زیبا و تأمل‌برانگیز در وصف زاینده‌رود سرود که مورد تحسین و تمجید همگان قرار گرفت.

«زاینده‌رود بود، با کشت‌های شاد، با جلوه‌های باد، او همچنان به کار، او همچنان براه، حتی زمان خواب، وقتی که روستا آرام می‌غنود ...»^۱

پل‌های متعدد از زمان‌های قدیم تاکنون در طول مسیر به روی زاینده‌رود ساخته شده‌اند که هر کدام در نوع خود جالب و دیدنی است. از جمله پل الله‌وردی خان معروف به سی و سه پل که یک شاهکار معماری بی‌نظیر است که توسط الله‌وردی خان، سردار بزرگ شاه‌عباس اول ساخته شده است. طول آن ۳۰۰ متر و عرض آن ۱۴ متر و دارای سی و سه دهانه می‌باشد. زیرپل سکوهایی است که در تابستان آب به سطح آنها نمی‌رسد، جای خنک و خوبی است برای مردم بیکار و کارگران اطراف، به‌خصوص بعضی رانندگان تاکسی که سر ظهر نان و پنیر خود را در همان جای خنک نوش جان کنند و بعد هم یک خواب بعد از ظهری و تجدید انرژی و دوباره به سرکار برگشتن.

۱. رجوع شود به دیوان زاینده‌رود خانم فرشید افشار، انتشارات ما (خانم فرشید افشار، اینک از وکلای پایه یک دادگستری و از حقوق‌دانان برجسته کشورند).

پل معروف دیگر که در مسیر داخل شهر قرار گرفته پل معروف خواجوست که از جمله تفرج‌گاه‌های شاه‌عباس دوم بوده است. این پل هم دارای ۲۰ دهنه است که بالای هر دهنه اتاقکی است که با کاشی‌کاری زیبایی تزیین شده است. با استفاده از تخته‌سنگ‌هایی دهنه‌های آب را سد می‌کردند و جلوی پل را به‌صورت دریاچه در می‌آوردند روی پل ساختمان مخصوص است که برای شاه‌عباس ساخته شده بود که می‌توانسته در آن به تماشا و تفرج بنشیند.



پل زمان‌خان، از جمله پل‌های دیدنی زاینده‌رود است که پایه‌های آن روی صخره‌های طبیعی قرار گرفته است. زمان‌خان از مالکین و معتمدین محل بوده که این پل را در نزدیکی ده سامان در حومه شهر کرد بنا نهاده است و با این کار خیر نام خود را برای همیشه به نیکی باقی گذاشته است.

نام نیکی گر بماند ز آدمی به کز او ماند سرای زرنگار

طومار شیخ

برای استفاده بهینه از آب زاینده‌رود، از زمان‌های قدیم، اقدامات زیادی انجام داده‌اند؛ از جمله برای توزیع یکنواخت آن در سرتاسر جلگه، جدول پیچیده‌ای تنظیم کرده‌اند که در محل به طومار شیخ بهایی معروف است که اهمیت آن کم